معضلات قوانین کار و بانکداری و نحوه مواجهه با FATF در تحلیل دکتر عادل پیغامی

نسخه پیشنهادی برای مدیریت نقدینگی

خود سیستم بانکی در دهان من و شما می اندازد که بحث ربا را بزرگ کنیم!

حسین بردبار - دکتر عادل پیغامی، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) چهره شناخته شده ای برای اقتصاد خوانده ها و کسانی است که مباحث نظری حوزه اقتصاد را پیگیری می کنند. با این حال آشنایی با زاویه دید یک اقتصاددان نظریه پرداز درباره حوزه اجرا و واقعیت های روز اقتصاد ایران خالی از لطف نیست.
پنج شنبه هفته گذشته، دکتر عادل پیغامی مهمان نشست هفتگی جبهه آرمان خواهان واقع بین در مشهد بود و درباره وضعیت اقتصادی کشور از جمله نظام بانکی، معضلات پول شویی و کم توجهی به رصد مبادلات مالی در کشور، نحوه مواجهه با نهاد FATF و ضرورت اصلاح برخی قوانین اصلی کشور به ویژه اصلاح قانونی بانکداری و قانون کار سخن گفت. به ویژه تاکید وی بر ضرورت تفکیک بانک ها به پنج دسته در اصلاح نظام بانکی، آن هم در شرایطی که هفته گذشته رهبر انقلاب در دیدار با سران قوا، بار دیگر خواستار انجام اقدامات قاطع و عملیاتی برای اصلاح نظام بانکی شدند و پس از آن نیز در روز شنبه، شورای عالی هماهنگی اقتصادی کشور با حضور سران قوا اختیارات لازم را به بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی اعطا کرد. مشروح سخنان دکتر عادل پیغامی در ادامه آمده است:

■ **دعوت به مناظره ۲۹۰ نفری که مدعی فروپاشی هستند**

شاید آن چه که برای تان داشته باشم مطلب جدیدی نیست، مطالب را شما واقعا بیشتر از من می دانید، گاهی روایت جدیدی از مسئله است، زاویه جدیدی است که شاید کمک کند بحث را بهتر بشناسیم و آن چه به نظر می رسد الان جزو کمبودهای ماست همین روایت ها و زاویه هاست، روایت های مشهور خیلی وقت ها اتفاقا صورت مسئله ها را پاک می کنند، این شاذ بودن ها نه به این معنا که هر چه که شاذ و جدید است غلط است، خیلی وقت ها باید تاکید بر نظر شاذ باشد، خیلی اوقات از جنس تلنگر است، صورت مسئله هایی را عادت کرده ایم همیشه از یک زاویه ببینیم، همین باعث می شود که مسئله ها را نشناسیم و اشتباهی را مکرر تکرار کنیم، یکی از مشکلاتی که الان با آن مواجه هستیم متاسفانه روایت های بسیار سخیف و مسخره در کشور دارد پمپاژ می شود به ویژه در چند ماه اخیر، همین نامه ۲۹۰ نفری که به تازگی نوشتند یا مواردی مشابه آن. به همین سخافت که یادتان باشد زمانی گفتند که می خواهند در پیاده روها دیوار بکشند و آن قدر شعور مخاطب را مورد سوال قرار ندادند که دیوار کشیدن آخر چقدر ملات و آجر و بلوک می خواهد ولی بخشی از مخاطب قبول کرد، آن تعابیری که امروز هست و تقریبا ترجیع بند همه آن ها آن است که ما به انسداد حاکمیتی و حکمرانی رسیده ایم، نمی گویند که ما به انسداد مثلا نظریه های اقتصادی این دولت رسیده ایم، نمی گویند که خود ما که شش سال پیش سینه چاک می کردیم برای این دولت و می گفتیم اگر این دولت بیاید دیگر دنیای پوپولیستی تمام می شود و تمام نظریات علمی و تجربیات دنیا وارد می شود، پس ببینید همه می گویند بحث حاکمیت است، حال کیست که سوال کند، خلق پول بانک مرکزی کجایش حاکمیت است؛ اجرایی نشدن قانون پول شویی کجایش حاکمیتی است و این روایت های سخیف هم معمولا جایی رشد می کنند که روایت های درست و حداقل فنی کمتر دیده شود، پس همه باید کمک کنیم که این روایت ها شکل بگیرد. نکته اساسی مهم در شروع بحث اقتدار اقتصادی ایران است، چیزی که در همه روایت هایی که انسان از دوستان نادان داخلی یا دشمن می شنود این است که اقتصاد ایران در حال فروپاشی است و به نقطه های غیر قابل بازگشت رسیده است، من وقت نکردم دنبال این هستم که ببینم این ۲۹۰ نفر کدام های شان اقتصاد خوانده اند و شروع کنیم و بگوییم بسم ا... بیایید با هم صحبت کنیم و ببینیم آیا اصلا می آیند پای مباحثه و مناظره.

■ **پیچ های تاریخی که ضعف های ما را بیشتر نشان داده است**

واقعیت آن است که اقتصاد ایران واقعا اقتصاد قوی است، وقتی ما صحبت از مقاوم سازی اقتصاد ایران می کنیم در مقام این نیستیم که تا حالا ضعیف بوده ایم و از الان به بعد باید مقاوم سازی را شروع کنیم. اقتصاد ایران مقاوم بوده است اما باید مقاوم تر شود، واقعا اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی وارد مراحلی شده که درجه ای از مقاومتی که قبلا داشته روها دیوار بکشند و آن قدر شعور مخاطب را مورد سوال قرار ندادند که دیوار کشیدن آخر چقدر ملات و آجر و بلوک می خواهد ولی بخشی از مخاطب قبول کرد، آن تعابیری که امروز هست و تقریبا ترجیع بند همه آن ها آن است که ما به انسداد حاکمیتی و حکمرانی رسیده ایم، نمی گویند که ما به انسداد مثلا نظریه های اقتصادی این دولت رسیده ایم، نمی گویند که خود ما که شش سال پیش سینه چاک می کردیم برای این دولت و می گفتیم اگر این دولت بیاید دیگر دنیای پوپولیستی تمام می شود و تمام نظریات علمی و تجربیات دنیا وارد می شود، پس ببینید همه می گویند بحث حاکمیت است، حال کیست که سوال کند، خلق پول بانک مرکزی کجایش حاکمیت است؛ اجرایی نشدن قانون پول شویی کجایش حاکمیتی است و این روایت های سخیف هم معمولا جایی رشد می کنند که روایت های درست و حداقل فنی کمتر دیده شود، پس همه باید کمک کنیم که این روایت ها شکل بگیرد. نکته اساسی مهم در شروع بحث اقتدار اقتصادی ایران است، چیزی که در همه روایت هایی که انسان از دوستان نادان داخلی یا دشمن می شنود این است که اقتصاد ایران در حال فروپاشی است و به نقطه های غیر قابل بازگشت رسیده است، من وقت نکردم دنبال این هستم که ببینم این ۲۹۰ نفر کدام های شان اقتصاد خوانده اند و شروع کنیم و بگوییم بسم ا... بیایید با هم صحبت کنیم و ببینیم آیا اصلا می آیند پای مباحثه و مناظره.

■ **پیچ های تاریخی که ضعف های ما را بیشتر نشان داده است**

واقعیت آن است که اقتصاد ایران واقعا اقتصاد قوی است، وقتی ما صحبت از مقاوم سازی اقتصاد ایران می کنیم در مقام این نیستیم که تا حالا ضعیف بوده ایم و از الان به بعد باید مقاوم سازی را شروع کنیم. اقتصاد ایران مقاوم بوده است اما باید مقاوم تر شود، واقعا اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی وارد مراحلی شده که درجه ای از مقاومتی که قبلا داشته ایم و جواب می دهد دیگر ممکن است جواب ندهد، پس بحث مان ارتقای مقاومت است، نه بحث این که شکننده ایم یا آسیب پذیر بوده ایم و الان تازه می خواهیم پروژه اش را شروع کنیم، واقعا پروسه است، حتی نوساناتی که شما الان بیشتر احساس می کنید یا به چشم تان می آید این ها بعضی هایش مربوط به ورود اقتصاد ایران به مراحل جدید است، حالا این مراحل گاهی اوقات از جنس موشک های جدیدی است که دشمن می زند. دشمن هم واقعا موشک های اقتصادی اش رشد کرده است، حالا مثال هایش را خواهیم زد، این ها قسمت هایی است که دشمن پیشرفت کرده است و ما عقب مانده ایم و پیشرفت نکرده ایم ولی آن طرفش را هم ببینید، همین پیچ های تاریخی که در اقتصاد ایران پیدا شده است و ضعف های ما جلوه بیشتری پیدا کرده است، یک بخشش ناشی از جنبه مثبت اقتصاد ایران است، تحلیل عامیانه من این است که اقتصاد ایران یک خودرویی بود که با سرعت ۵۰ کیلومتر حرکت می کرد، لرزه های پیچ های شلش معلوم نبود ولی وقتی با سرعت ۱۴۰ کیلومتر دارد می رود هم پیچ هایش شل تر شده است و هم وقتی چرخش در بیاید، فقط به جدول نمی خورد بلکه چپ می کند، ما با اقتصاد ایرانی مواجهیم که در دو دهه گذشته شتاب گرفته است و این شتاب این طوری دارد خودش را نشان می دهد.

■ **دلایل رشد آمار و ارقام اختلاس های بانکی**

مثلا قانون کار ما از قبل هم می گفتیم که معضلات جدی دارد، قانون مالیاتی مان می گفتیم معضلات جدی دارد ولی اقتصاد ده دهه ۷۰ ایران با همین قانون کار و قانون پولی و بانکی و مالیاتی داشت کار می کرد ولی الان اصلا جواب گو نیست و حسابی داریم از آن می خوریم، چرا، چون اقتصاد ایران رشد کرده است، پس یک بخش به خاطر این است که دشمنی عمیق تر و دشمن قوی تر شده است و بخشی دیگر به خاطر این که ما رشد کرده ایم، اغلب مواردی که به عنوان روایت های منفی گفته می شود، مثبت هم می شود خواند، یک زمان ۱۲۴ میلیارد تومان رئیس یک بانکی اختلاس می کرد، الان می گویند سه هزار میلیارد، خوب معلوم است که اقتصاد بزرگ شده است که می شود سه هزار میلیارد، پس معلوم است که ما گنده تر و ثروتمند تر شده ایم، قسمت های سفید و نیمه پر اقتصاد ایران را هم باید دید. روایت هایی که از مسئله می شود به شدت آسیب زاست، انسان ناراحت می شود که چقدر اقتصاد ایران مظلوم است و حتی سیستم هایش، بنده سیاه ترین بخش اقتصاد ایران را بانک می دانم، فاسدترین و سیاه ترین، ولی همین سیستم بانکی وقتی بحث از اختلاس ها می شود که مردم می گویند بردند و خوردند و سیستم بانکی همه اش فاسد است، چون مردم اعداد بزرگ را خیلی نمی فهمند، وقتی به مردم می گویند سه هزار میلیارد تومان و یک خبر غیر رسمی هم باشد که ۱۲ هزار میلیارد تومان فلان جا و پنج هزار میلیارد تومان بهمان جا، می گویند، کل منابع پولی بانک رفت، نمی دانند که تمام این اختلاس ها را که جمع کنید در مقایسه با گردش مالی بانکی کشور شاید یک عدد چهار تا پنج درصدی باشد. حالا راندمان سیستم ۹۵ درصد شده است، آیا این سیستم فاسد است، همان که آقامی فرمایند فساد سیستمی نداریم، یک معنا از نداشتن فساد سیستمی بحث گستردگی است. بله، سر جای خودش ما قائل به اقتصاد اسلامی هستیم و یک ریال فساد هم خیلی است و نباید باشد ولی از آن طرف هم نمی شود کل نظام را زیر سوال برد، ما با همین سیستم بانکی فاسد سیاه و ناکارآمد در جنگ اقتصادی با دشمن ایستادیم، کشور در جنگ اقتصادی با دشمن است، یا تصوری از جنگ ندارید یا نمی دانید که سیستم بانکی و اقتصادی ما چگونه دارد در این جنگ خوب یا بد عمل می کند، ولی یک خبر می رود و نوع رسانه ای کردن مسئله به نحوی پیش می رود که این ذهنیت را به مردم می دهد که همه فاسد شده اند و همه می خورند و چیزی باقی نمانده ولی وقتی بگوییم که در بانک چهار درصد فساد پیدا شده است و ۹۶ درصد دارد کار می کند، الان به نقطه هایی رسیده ایم که مردم فکر می کنند همه داریم مال حرام می خوریم، همه کارمندان ایران پول رشوه می گیرند، آیا واقعا این طوری است؟ چرا روایت هایی می کنیم که خطا دارد. اقتصاد ایران اقتصادی بسیار قوی و معتدل است از جهات مختلف، به تازگی یک کتابی در انتشارات امام صادق (ع) چاپ شد به اسم عملکرد ایجابی انقلاب اسلامی ایران، دفتر اول اقتصاد، آمارهای آن جا گویاست که اقتصاد ایران چه مسیری را طی کرده است، حتی مقایسه است که مثلا ما با فلان کشور دنیا در شتاب یا نرخ رشد چه وضعیتی داریم.

■ **۳ آمار متفاوت درباره مقایسه تولید ناخالص داخلی ایران با کشورهای دیگر**

مثلا اگر کره در دهه ۱۹۶۰ شروع کرد ۲۰ سال بعد کجا بود و در این ۲۰ سال زیر ساخت هایش با چه نرخ هایی رشد کرد و ما چگونه رشد کردیم در ۲۰ سال گذشته در برخی از شاخص ها از همین کره جنوبی ما جلوتر هستیم، در نرخ، بله، هنوز به آن ها نرسیده ایم. آن ها سال ۶۰ شروع کردند و ما دیرتر شروع کردیم ولی در نرخ ها ما جلوتر هستیم و آینده اقتصاد ایران خیلی مثبت تر است، اقتصاد ایران به دلایل مختلف اقتصاد قوی است، این را دشمنان می گویند. گزارش های جهانی اقتصاد ایران را با چه سطح و اقتداری می بیند، منتها متاسفانه اشکالات ریز فنی باعث می شود که روایت های غلط داده شود، مثلا این که شما تولید ناخالص داخلی (GDP) ایران را بر اساس دلار معمولی محاسبه کنید یا بر اساس دلار نرخ ثابت ۲۰۰۱ یا کلا بر اساس دلار برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه کنید، سه تا آمار از جی دی پی و سرانه اقتصاد ایران پیدا می شود. من در همین دانشگاه فردوسی مشهد دو روز ۱۶ ساعت برای استادان طرح ضیافت اندیشه اقتصاد گفتم و آن جا آمارها را از بانک جهانی نشان می دادم که مثلا با یکی از دلارها وقتی نگاه می کنید، بعد از ۴۰ سال سرانه تولید ناخالص ملی ما یا درآمد سرانه هر ایرانی تازه به سال ۵۵ پهلوی رسیده است، این آمار غلط هم نیست با دلار جاری است ولی با دلار قدرت برابری خرید نگاه کنید ایرانیان ۱۷ برابر نسبت به سال ۵۷ رشد کرده اند. حالا کدامش درست است، بعد می گویند که شما با آمارها بازی نکنید، به رفاه مردم نگاه کنید، اتفاقا برابری قدرت خرید دلار رفاه مردم است، آن دلار جاری صرفا یک عدد حسابداری است.

■ **سواد اقتصادی مردم ایران به طور سیستماتیک پایین نگه داشته شده است**

سواد اقتصادی مردم ایران به طور سیستماتیک در آموزش و پرورش و رسانه ها پایین نگه داشته شده است، مردم واقعا اقتصاد را نمی گیرند، به طور سیستماتیک مشکل داریم، در آمریکا این طوری نیست، گاهی اوقات در روزنامه های ماستون هایی می آید که کتاب هایی در آن معرفی می شوند و چه بسا جای چنین ستونی در روزنامه شما خالی باشد که برخی از کتاب ها در آن جا داخل ستون بیایند، در این کتاب تعلیم و تربیت اقتصادی روایت کرده ایم که در دنیا به بچه های شان چه یاد می دهند و مردم چه تصوری از اعداد و ارقام اقتصادی پیدا می کنند و نتیجه اش آن می شود که شبهات اقتصادی در خارج کارساز نیست ولی در ایران کارساز است چون تصور درستی از عددهای اقتصادی ندارند، خوب، اما اقتصاد ایران چه مسائلی دارد و در مقابل چه راهکارهایی برای برون رفت از آن ها وجود دارد. اقتصاد ایران یک سری بنیان های زیر ساختی مثل هر اقتصادی دارد که به آن بنیان ها توجه لازم در این چهل سال نکرده ایم و نداریم و بر ایمان اولویت نداشته است، تا جایی که اقتصاد مسیر را افتان و خیزان طی می کرد خیلی هم رو نیامده است ولی وقتی که دست انداز ها زیاد شوند آن فقدان ها و تزلزل ها خودش را بیشتر نشان می دهد. من چند تا از این ها را مرور می کنم:

■ **خود سیستم بانکی در دهان من و شما می اندازد که بحث ربا را بزرگ کنیم!**

اول نظام بانکی، اساسا چه تصویری از مقوله بانک در اقتصاد ایران دارید، روایت من از مقوله بانک این است که مشکل اصلی ما در سیستم بانکی، ربوی بودن نیست، به جد معتقدم کسانی که ربوی بودن را رسانه ای می کنند و سروصدا می کنند، حواس شان نیست، می افتند در دام بازی رسانه ای خائنان، بحث ربا سر جای خودش باید تحلیل شود ولی این که بگوییم سیستم بانکی ربوی است با کدام اجتهاد و کدام معنا و کدام تعریف از ربا و بهره، جای بحث دارد و من معتقدم که این را خود سیستم بانکی در دهان من و شما می اندازد که با یک نوع عرق مذهبی و دینی بحث ربا را بزرگ کنیم.

■ **مشکل قانون بانکداری ما تفکیک نشدن بانک ها به ۵ دسته است**

اصل مشکل بانک کجاست. اصل مشکل بانک این جاست که قانون بانکداری بدون ربای ما از همان ابتدایی که شکل گرفته یک غلط فاحش و بزرگ دارد و آن تفکیک نشدن بانک ها از یکدیگر است. ما پنج نوع بانک داریم، بانک توسعه ای، تجاری، تخصصی، سرمایه گذاری و بانک مرکزی. ما می گوییم قانون بانکی در حالی که یک نوع بانک با نوع دیگر آن زمین تا آسمان فرق دارد، تفکیک نشدن بانک ها، شتر گاو پلنگی ایجاد کرده است به طوری که به سیستم بانکی می گوییم بار ببر می گوید: گاوم، می گوییم شیر ببره، می گوید: پلنگم، می گوییم غرش کن، می گوید: شترم، تعریف بانک را هم غلط فهمیدیم، یعنی پایه هایش مشکل دارد از نماینده مجلس بگیریم تا دیگران. بایکی از نمایندگان مجلس که انسان محترمی است دعوایم شد سر اشتباهات فاحش و گفتم که آقا نمی دانی بگو نمی دانم.

■ **مهم تر از میزان نقدینگی، نحوه چرخش آن در اقتصاد است**

تعریف بانک غلط است، بانک نهاد خلق اعتبار یا نهاد خلق پول است، نهاد تخصیص اعتبار است، یعنی پول و اعتبار را خلق و تخصیص می کند، حالا اگر بیش از حد خلق کند یک بحث است، بین این دو کار کرد خلق و تخصیص هم باید گفت که تخصیص مهم تر است این جاست که آقا گفتند این مقدار پولی که می گویند نقدینگی می تواند به جای تهدید فرصت باشد، ما گفتیم که درباره مقدارش بحث نکن، بحث اساسی و ۱۰ برابر مهم تر این است که این پول چگونه دارد می چرخد، حالا بعد برویم بگوییم که این پول زیاد یا کم است که من می گویم کم است ولی این کم یا زیاد، بد دارد می چرخد، به جای این که به نحوه گردش پول بپردازیم، همه چسبیده اند به افزایش مقدار نقدینگی، سه دهه است، این که نقدینگی ایران زیاد است و بیش از حد دارد خلق می شود یا این که باعث تورم است، قرائت سه دهه ماست و حرف جدیدی نیست. اگر مشکل این است، چرا پس کنترلش نمی کنید؟

■ **خلق پول در کجا اتفاق می افتد، بانک مرکزی یا شعب بانک ها؟**

اصلا این پول، پول درون زاست. آن نقدینگی که می شود کنترل کرد پول برون زاست، آن را بانک مرکزی خلق می کند، به مرکز پژوهش های مجلس سه، چهار سال پیش نوشتم که پول درون زا یعنی چه، برای اولین بار، این ۴۵۰ هزار میلیارد تومان که الان شده حدود ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان، این هزار و خرده ای میلیارد تومان کجا خلق شده است، تو بانک مرکزی خلق شده است، اگر آن جا خلق شده بود که خوب بود می گفتیم بودجه کم آوردند و پول کارمندان را نداشتند پس پول چاپ کرده اند و داده اند به کارمندان پس راند اول گردش پول یک مشکل را از نظام حل کرد و پول کارمندان را دادند ولی اگر بگوییم که این پول درون سیستم بانکی خلق شده است، در همین شعب سر کوچه های تان خلق شده است، سوال این جاست که به چه کسی تخصیص داده شده است؟

■ **سرانه هر ایرانی از خلق پول در ۶ سال اخیر؛ ۱۴ میلیون تومان**

اگر سرانه به هر ایرانی طی این شش سال از این پول خلق شده می خواستند وام بدهند شما باید سرانه ۱۴ میلیون تومان پول گرفته باشید یعنی به اندازه یک وام ازدواج، یک خانواده چهار نفره باید ۶۰ میلیون تومان وام بلاعوض می گرفت، خیلی پول است، مردم عادی گاهی با ۱۵ میلیون تومان یک کسب و کار راه می اندازند، این پول کجا رفته است که دارد مثل یک سونامی روی اقتصاد هوار می شود. حباب می شود و این طرف و آن طرف می رود و سفته بازی راه می اندازد، دقیقا برمی گردد به این که چون تعریف بانک را غلط می دانستیم نفهمیدیم که اساسا کار بانک خلق پول است.

■ **مقایسه تعداد شعب بانکی در ایران با کانادا و آمریکا**

یک شعبه که سر کوچه ما افتتاح می شود، گویا یک دستگاه خلق پول در کشور من زیاد می شود. حساس نبودیم، تعداد شعب بانکی در کانادا مثلا می گویند بابت یک مقدار گردش پولی مشخص هشت تاست، در آمریکا ۱۸ تاست، در اسکاندیناوی، زیر هشت تاست، در ایران می شود ۵۸ تا. چرا؟ به این دلیل که رهاست. کجا رهاست، در همین تعریف و تفکیک بانک.

■ **نرخ ذخیره قانونی برای انواع بانک ها باید متفاوت باشد**

نرخ ذخیره قانونی بانک توسعه ای را باید کمترین بگذارید که هر چقدر می خواهد برود به تعبیر عامیانه پول چاپ کند یا پول خلق کند، بانک تخصصی را باید به اندازه تبعیضی بگذارید که آن تخصص می خواهد آن حوزه را فعال کند. مثلا بانک کشاورزی باید به بخش کشاورزی برسد، مردم می گویند چطور است که در دنیا اگر طرف بتواند ثابت کند که شغل دارد، می تواند از بانک مسکن ۸۰ تا ۹۰ درصد پول خانه را وام بگیرد ولی در ایران با وام بانک مسکن پنج درصد خانه را هم نمی شود خرید؛ حالا خانه کوچک باشد می شود ۱۰ درصد، چون بانک تخصصی مسکن کار نمی کند، برای این که بانک تخصصی مسکن بانک تجاری شده، بانک توسعه ای و سرمایه گذاری شده است؛ همه بانک ها همزمان هست، نرخ ذخیره قانونی را باید تبعیضی بگذارید، شما نرخ ذخیره قانونی بانک تجاری ملت و تجارت و ملی را باید صد در صد بگذارید یعنی این که یک ریال هم نتواند خلق اعتبار کند، مانرخ ذخیره قانونی همه انواع بانک ها را می

> قانون پول شویی می گوید وقتی که همه چیز انعکاسی در پول دارد پس اگر این جایقه اش را بگیرم لازم نیست هزار جایقه اش را بگیرم. این جایقه اش را بگیر، تو را از همه جاهای دیگر مستغنی می کند.

> اگر سرانه به هر ایرانی طی این ۶ سال از این پول خلق شده می خواستند وام بدهند شما باید سرانه ۱۴ میلیون تومان پول گرفته باشید یعنی به اندازه یک وام ازدواج، یک خانواده چهار نفره باید ۶۰ میلیون تومان وام بلاعوض می گرفت، خیلی پول است

> این یعنی یک به هم ریختگی بسیار بسیار خطرناک که شما به نهاد خلق اعتبار، حکمرانی پولی نداشته باشی و هر چقدر که بخواهد بتواند پول چاپ کند و بعد خودش همزمان بتواند برود در بازار سرمایه هر چقدر بخواهد بازی کند. حالا اگر بگوییم که خودش بتواند در بازار ارز و سکه هم بازی کند که دیگر هیچ، یعنی یلگی آن چنانی، هیچ اقتصاد دانی و هیچ کشوری یک چنین بی قیدی را نمی دهد.

گوییم ۱۶ درصد، تازه همین ۱۶ درصد را هم خوب نظارت نمی کنیم و سیستم بانکی برای خودش خلق پول می کند، رهاست، می رسیم به نظام تخصیص و می بینیم به من و شما تولید کننده که وام نمی دهند، به دلال می دهند. به غیر خودشان نمی دهند، به خودشان می دهند، بانکی را که ذاتا یک نهاد عمومی است و لو خصوصی تاسیس شود، داریم به بدترین شکل اداره می کنیم. در هیچ جای دنیا کشور به درد بخوری را پیدا نمی کنید که این سیستم بانکی را داشته باشد که نه غربی است نه اسلامی و به شکل کاملا غیر عادلانه تخصیص منابع می کند.

■ **چه نوع بنگاه داری برای چه نوع بانکی غلط است؟**

بعد می رسیم به این که می گویند بانک ها بنگاه داری نکنند، غلط است، بانک سرمایه گذاری اساسا کارش بنگاه داری است، کارش ساختن است، بانک تخصصی در حوزه تخصصی خودش کارش بنگاه داری در تامین و تکمیل زنجیره خلق ارزشش است، مثلا اگر بانک مسکن یک دفعه ببیند که شرکت مصالح ساختمانی ما ضعیف است و سیمان ندارد ممکن است ورود کند و زنجیره خلق ارزش را در آن حوزه تکمیل کند، باید برود کارخانه سیمان تاسیس کند یا وام بدهد یکی تاسیس کند ولی اگر کسی نباشد خودش وارد می شود، همه جای دنیا این طور است، دولت ها خودشان مجبور می شوند یک جاهایی وارد شوند، به بانک تجاری که می رسیم نباید بتواند پول خلق کند و بنگاه داشته باشد، رستوران هم نباید داشته باشد، رهبر انقلاب درست می فرمایند، می گویند این دیوار مال چی است، می گویند که مال باشگاه فرهنگی یا رستوران فلان بانک است، خب نباید داشته باشد. رستوران لازم داری برو از یکی اجاره کن. ما یا به همه اجازه می دهیم بنگاه داری کنند یا می خواهیم ببندیم هیچ کسی بنگاه داری نکند، این هم غلط است، این که هیچ کسی خلق اعتبار نکند هم غلط است. بانک سرمایه گذاری اساسا بانک حوزه بازار سرمایه است، اساسا به یک معنا بانک نیست شما بگویید بانک سرمایه گذاری یا بگویید شرکت تامین سرمایه، یک جمله است، یک کلمه است، یک نهاد است، این ها را نفهمیدیم، الان اغلب بانک های ما کار بانک سرمایه گذاری می کنند و نهاد کارگزاری دارند.

■ **هیچ کشوری به قدرتمندترین نهاد اقتصادی اش اجازه چنین بی قیدی نمی دهد**

این یعنی یک به هم ریختگی بسیار بسیار خطرناک که شما به نهاد خلق اعتبار، حکمرانی پولی نداشته باشی و هر چقدر که بخواهد بتواند پول چاپ کند و بعد خودش همزمان بتواند برود در بازار سرمایه هر چقدر بخواهد بازی کند. حالا اگر بگوییم که خودش بتواند در بازار ارز و سکه هم بازی کند که دیگر هیچ، یعنی یلگی آن چنانی، به خطرناک ترین و قدرتمندترین نهاد اقتصادی در دنیا به لحاظ کج کارکردی یک چنین رهایی هم بدهی، هیچ اقتصاد دانی و هیچ کشوری یک چنین بی قیدی را نمی دهد.

■ **چگونگی تبدیل یک بانک توسعه ای به بانک تجاری**

ما زمانی صندوق توسعه تعاون داشتیم، وقتی که اسمش صندوق است دولت باید پول بگذارد تا بتواند در روستا مثلا سد بزند ولی چرا صندوق را بانک می کنند چون دولت می گوید پول ندارم ولی یک قانونی دارم و یک نهادی را اجازه دارم تاسیس کنم که بانک است و شما می توانی یک تومان را ۱۰۰ تومان بکنی، بانک می تواند یک ریال را یک میلیون تومان بکند، هر چقدر که بانک مرکزی اجازه بدهد، بعد صندوق توسعه تعاون را برای توسعه تعاونی ها در کشور که آقا فرمودند ۲۵ درصد اقتصاد کشور برود دست تعاونی ها که از سیاست های حضرت آقا بود در سیاست های اصل ۴۴، حالا آمده اند صندوق را بانک کرده اند تا مشکل تامین مالی نداشته باشد، یکی نپرسید که بانک توسعه تعاون چرا در کشور خودپرداز می زنی؟ من از مدیرعاملش که از دوستان بود، پرسیدم خودپرداز مال تو نیست، تو که بانک تجاری نیستی، بانک توسعه ای هستی، این را فهمیدی، نباید مردم بتوانند در بانک تو حساب باز کنند و مثل بانک ملی شعبه داشته باشد، هیچی، آن هم یک بانک تجاری شده است. ولش بکنی کار سرمایه گذاری هم می کند. همین یک مورد برای این که اقتصاد یک کشور را حسابی متلاطم کند کافی است. سیستم بانکی و پولی کشور آن قدر مهم است، تنگه احد است، همه را اول کنید و این یکی را بچسبید، رهاست، از هر جایی ول تر است.

■ **قانون پول شویی را اجرا کنید ۹۵ درصد جرایم کنترل می شود**

قانون پول شویی جزو قوانین بنیادی است که وقتی ول است، حسابی از دشمن می خوریم. تنگه احد بزرگی است که رهاست، قانون پول شویی می گوید وقتی که همه چیز انعکاسی در پول دارد پس اگر این جایقه اش را بگیرم لازم نیست هزار جایقه اش را بگیرم. این جایقه اش را بگیر، تو از همه جاهای دیگر مستغنی می کند، ما اقتصاددان ها معتقدیم که اگر قانون پول شویی را اجرا کنید ۹۵ درصد جرایم کنترل می شود. برای این که بزه کاری را در مشهد کنترل کنید، چند تا بازرس باید بگذارید، چقدر می شود رفت داخل خانه ها را گشت، ولی همه این ها انعکاس پولی دارد، یکی بخواهد کسی را بکشد پول می دهد، یکی بخواهد مواد مخدر بخرد، پول می دهد، دکتر می خواهد بدیا خوب عمل کند، پول می گیرد، همه چیز انعکاس پولی دارد پس کافی است من سر بزنگاه پولی بایستم، زندگی همه را می توانم تشخیص بدهم. مثل جی پی اس که همه می توانند بفهمند پیغامی در کشور کجاها رفته است، عین همین می توانند از طریق حساب بانکی بفهمند من از چه کسانی پول می گیرم و به چه کسانی پول می دهم و چه خریده ام، قانون پول شویی می گوید که هر مبادله مالی و پولی تان باید از طریق سیستم بانکی باشد مگر در محدوده مثلا ۱۵ میلیون تومان در ایران، یعنی آفتابه دزدر اولش کن، انواع بزه ها را داریم، فکر نمی کنم کسی با ۱۵ میلیون تومان آدم بکشد، اگر با ۱۵ میلیون تومان آدم می کشند، باید این رقم را پایین تر بگذارید، یعنی آفتابه دزدی را اولش کن ولی بقیه را بچسب، بعد اگر ۱۵ میلیون تومان پول در حساب من رفته مورد سوال است، از کی گرفتی، چرا گرفتی، چه کار کردی؟ قابل رصد است، به همین یک قانون عمل و ۹۵ درصد کشور را اول کن. به عنوان مثال بگوییم که هر مبادله پولی بین ایرانیان بالای ۳۰۰ میلیون تومان باید در سیستم بانکی رصد شود. به نظر شما چند درصد مردم ایران در این رصد قرار نمی گیرند چون اصلا در سه ماه مبادله ۳۰۰ میلیونی ندارند، من می گویم ۹۶ درصد. یعنی به مردم می گویید که به حریم خصوصی ۹۶ درصد وارد نمی شوم ولی ۴ درصد گنده ها هستند.

■ **چرا رئیس جمهور گفت نباید به حساب های بانکی سرک کشید؟**

چرا رئیس جمهور ما می گوید که حساب مردم حریم خصوصی مردم است و نباید سرک کشید، کجای دنیا این طوری است، هیچ جای دنیا این طوری نیست، اتفاقا آن هایی که خیلی سکولار هستند و می گویند که هیچ جای زندگی بشر نباید سرک کشید هیچ جا را سرک نمی کشند چون همین را دارند، شما از سیستم پولی آمریکا همین سرک کشیدن را بگیرید مجبور می شود همه جا سرک بکشد چون عاقل است، امنیت دارد، بزه دارد منتها چون حوزه پول را جدی گرفته اند هیچ جا سرک نمی کشند، پزش را هم می دهند ولی از نظر ما اقتصاددان ها دروغ می گویند، رفیق ما رفته بود کانادا درس بخواند، فرم مالی به او داده بودند که پر کند، نوشته بود که دانشجو هستم و پولی ندارم بنابراین مالیات هم ندارم چند ماه بعد نامه آمده بود برایش از اداره مالیاتی و این دفعه دو، سه هزار دلار کانادا هم داخلش بود و گفته بودند که دقت کردیم شما در طول سه ماهی که آمدید صندلی و یخچال برای خانه تان خریده اید و خریدهای خرد هم کرده اید و چون دانشجو هستید مشمول مالیات نمی شدید ولی بابت این ها ۱۰ درصد مالیات ارزش افزوده کم شده است که شما مشمول آن نمی شده اید و به شما برگشت داده شده است. عدالت را هم این طوری اجرایی می کنند. الملک یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم، چرا آمریکا در اقتصاد مقتدر است؟ به دلیل این که عدالت را رعایت می کند، هیچ اباندارم از این که بگوییم عدالت در آمریکا بیشتر از عدالت در کشورم است. عدالت را چه جوری می توان رعایت کرد، البته همان طوری که آقا گفتند فساد سیستمی در آن جا هست و جهتش هم کلا بر ظلم است ولی جزئیات آن را که نگاه می کنید اقتدار کشور را می آورد، چون نظام آماری شفاف در سیستم پولی شان دارند. شما سیستم بانکی را تفکیک کنید و یک نهضت جدی به وجود آورید، قانون پول شویی را بگذارید، هزار و یک عامل را یک جا حل می کند.

■ **تشریح معضلات قانون کار**

معضل دیگر، قانون کار است. بازیگران عرصه کار سه گروه عمده اند: کارگر، کارآفرین، کارفرما. قانون کار فعلی ما قانون کارآفرینان نیست چون آن موقع کارآفرین نبود، قانون کارفرمایان هم نیست چون کارفرمای بیچاره با این قانون کار بدبخت می شود، کارگرت کار نکند، طبق این قانون هیچ کاری با او نمی توانی بکنی، تازه باید حقوق و بیمه اش را هم بدهی، بعد قانون کارگران است؟ نه، قانون کارگرانی است که وارد استخر اشتغال شده اند، آن کارگرانی که اشتغال رسمی دایمی پیدا نکرده اند و بیرون مانده اند به بدترین وجه دارند استثمار می شوند، می گوید دلت نمی خواهد برو، با چه حقوقی، ماهی ۵۰۰ تومان، پس قانون کارگران هم نیست، این قانون کار هزار و یک اشکال دارد، ذی نفوذها و ذی نفعان در آن خوب دیده نشده اند، بازیگران ناقص هستند، می دانید که با آبستراکسیون به زور تصویبش کردند، حالا بیا دست بزن. یک جریان رسانه ای از طرف برخی به راه می افتد که این سرمایه دار زالو صفت است. آن کارگران بیرون از شغل یک اتحادیه ندارند. در آمریکا شرایط به چه شکلی است؟ در دوران رونق می آیند از کارگر و کارفرما درصد برمی دارند، در دوران رکود به شکل بیمه بیکاری پس می دهند. سپس اگر کارفرما به رکود اقتصادی برخورد کرد، اجازه می دهند کارگر را اخراج کند. مثل بالون هایی که وقتی دارید سقوط می کنید باید اجازه داشته باشید چمدان طرف را بیرون بیندازید، وقتی رکود است باید به کارفرما اجازه بدهید خودش را سبک کند و گرنه ورشکسته می شود بعد حالا کارگر برود بمیرد؟ نخیر! او بیمه بیکاری می گیرد، بیمه بیکاری را از کجا می دهید، از آن مخزن، آن مخزن هم سالم است، مثل صندوق تامین اجتماعی مانیست.

■ **سونامی بزرگ بدهی در صندوق تامین اجتماعی**

صندوق تامین اجتماعی ما ماهانه از کارگران پول می گیرد، پول هایی را که از کل کارگران و کارفرمایان کشور می گیرد، اگر جمع بزنید، در طول ۳۰ سال گذشته برای کارگران و کارفرمایان زنده یک عددی می شود که این